

The Relationship between Economic Variables and the Increasing Age of Marriage: Population General Policy Approach



*Gholamreza Tajbakhsh¹ , Mohammad Nasiri² 

1. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran
2. Assistant Professor, Department of Public Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



Citation: Tajbakhsh, Gh., & Nasiri, M. (2021). [The Relationship between Economic Variables and the Increasing Age of Marriage: Population General Policy Approach]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9 (1), 82-103. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.112809>

 <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.112809>



Funding: See Page 100

Received: 08/01/2020

Accepted: 15/08/2020

Available Online: 21/03/2021

Article Type: Research Paper

Key words:

Economic factors; marriage; youth; general population policies.

ABSTRACT

One of the key aspects of general population policy is encouraging marriage, because marriage is a turning point in any human's life which begins a new chapter of the man and woman's life through legal, religious, social, and emotional commitment. It is the starting point for the oldest social units of humanity. Some crucial issues such as the decline of marriage and birth rates, and the increasing rate of elderlies have resulted in qualitative and quantitative problems for the general population. As economic situation is one of the most effective factors in marriage, the negligence of which discourages marriage and reduces fertility, the current paper (conducted in 2019) tries to find the relationship between economy and the increasing age of marriage. The research method is field study using survey and questionnaire. The population included all the male single individuals between 24 to 35 years old in Boroujerd. The sampling method was multi-staged random clustering resulting in 257 participants. The findings show a positive relationship between the economic factors and the increasing age of marriage, concluding that as the economic situation of young people, as a requirement for marriage, gets better, young people are much more encouraged to get married.

JEL Classification: R23, Q56, P42, P23.

* Corresponding Author:

Gholamreza Tajbakhsh, PhD

Address: Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd

Tel: +98 (917) 7326552

E-mail: Tajbakhsh@abru.ac.ir

رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج با رویکرد سیاست‌های کلی جمعیت

* غلامرضا تاج‌بخش^۱، محمد نصیری^۲

۱. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران
۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چیکید

تاریخ دریافت: ۱۸ دی ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۵ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱ فروردین ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

کلیدواژه‌ها:

عوامل اقتصادی، ازدواج، جوانان، سیاست‌های کلی جمعیت.

یکی از مفاد مهم سیاست‌های کلی جمعیت ترویج و نهادینه‌سازی امر مقدس ازدواج است؛ زیرا ازدواج یکی از حساس‌ترین مقاطع زندگی انسان به‌شمار می‌آید که با انعقاد تعهد و پیمان مقدس قانونی، شرعی، اجتماعی و عاطفی، زندگی مشترک زن و مرد آغاز می‌شود و در پرتو آن، خانواده که یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی با عمری به‌درازای حیات بشر است، شکل می‌گیرد. بحران‌های خزنده‌ای همچون کاهش نرخ ازدواج، کاهش نرخ مولید و افزایش نرخ سالمندی در حال گسترش است که رشد کمی و کیفی جمعیت را دچار مشکل کرده است. از آنجا که متغیر اقتصادی مهم‌ترین و مؤثرترین عامل تعیین‌کننده در ازدواج است و بی‌توجهی به آن باعث عدم تشکیل خانواده، کاهش باروری و حرکت به سمت پیری می‌شود، پژوهش حاضر که در سال ۱۳۹۸ انجام شده، رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج را بررسی کرده است. روش تحقیق، میدانی با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است. جامعه آماری پژوهش را تمام پسران ۲۴ تا ۳۵ سال مجرد شهر بروجرد تشکیل می‌دهد. نمونه‌گیری به روش تصادفی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده و حجم نمونه ۲۵۷ نفر است. یافته‌های پژوهش رابطه بین عوامل اقتصادی و افزایش سن ازدواج را تأیید می‌کند؛ در نتیجه هرچه شرایط اقتصادی و مادی جوانان، به‌عنوان بسترهای بنیادی برای ازدواج، مهیا باشد، تمایل ایشان به تشکیل زندگی مشترک بیشتر می‌شود.

طبقه‌بندی JEL: P23, P42, Q56, R23.

* نویسنده مسئول:

دکتر غلامرضا تاج‌بخش

نشانی: بروجرد، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی

تلفن: ۷۳۲۶۵۵۲ (۹۱۷) +۹۸

پست الکترونیک: Tajbakhsh@abru.ac.ir

۱. مقدمه

در هر برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، ناگزیر باید جمعیت و تغییرات آن لحاظ گردد؛ زیرا محوری‌ترین هدف هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه توسعه انسانی است؛ بنابراین رشد کمی و کیفی جمعیت از جمله عناصر مهم و اساسی و مرکز ثقل توسعه انسانی پایدار به‌شمار می‌آید. بحران‌های خزنده‌ای همچون افول نرخ رشد جمعیت، بالا رفتن سن ازدواج، بحران کاهش نیروی انسانی و سونامی سالمندی در حال گسترش است. در این میان، متخصصان امر باید با اصلاح الگوی جمعیت، کشور را از بحران و رکود جمعیتی مبتلا به کشورهای غربی دور نگه دارند. با عنایت به لزوم ارتقای شاخص‌های مهم جمعیتی، مقام معظم رهبری با دیدگاهی کلان، جامع و آینده‌نگر اصول چهارده‌گانه‌ای را جهت هدایت سیاست‌های کلی جمعیت تعیین کردند و نقش گسترده‌ای برای تمام نهادها و سازمان‌های متولی و اثرگذار برشمردند. مطابق بند ۲ سیاست‌های کلی جمعیت، رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل کارآمد یکی از وظایف مهم دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کشور است.

از دیدگاه صاحب‌نظران علوم اجتماعی، ازدواج از عوامل بسیار مؤثر در ایجاد استعداد بالقوه جمعیت و منشأ تأثیرات فراوان در ساخت سنی و جنسی آن است. باوجود حیاتی بودن این پدیده، شاهد روی‌گردانی نسل جوان از ازدواج و بالا رفتن سن آن هستیم. تأخیر در سن ازدواج یکی از مهم‌ترین ابعاد دگرگونی پدیده ازدواج بوده و به‌تبع آن برخی از متغیرهای جمعیتی، مانند باروری و طلاق، تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفته و سیر نزولی یافته است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای آسیایی مانند ایران، تحولات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دهه‌های اخیر سبب تحول در بروز بسیاری از وقایع اجتماعی، از جمله سن ازدواج، شده و آن را در مراحل انتقالی قرار داده است. طی نیمه اول قرن بیستم تا سال ۱۹۷۰م، الگوی غالب در بسیاری از کشورهای آسیایی، به‌جز کشورهای واقع در جنوب آسیا، از عمومیت و میزان ازدواج به‌خصوص در مناطق شهری کاسته شده و عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات، بیکاری، نسبت جنسی، شهرنشینی، اشتغال زنان، تغییر ارزش‌های مربوط به تشکیل خانواده، تحول در معیارهای همسرگزینی و جدایی محل کار و زندگی باعث افزایش سن ازدواج شده است.

ازدواج و تشکیل خانواده از جمله مسائل مورد بحث در میان ادیان و مذاهب، فلاسفه، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، علمای تعلیم و تربیت، شعرا و نویسندگان و هنرمندان بوده است. در امر ازدواج و تشکیل خانواده، اهداف و انگیزه‌هایی همچون میل بشر به تداوم نسل، نیاز

اقتصادی و نیاز روحی دخیل بوده که این عوامل در دوره‌های مختلف تاریخ بشر متغیر بوده است (Caldwell, 2005, p. 14).

منظور از سن ازدواج سنی است که در آن مقطع، افراد به زندگی زناشویی وارد می‌شوند. طبق نتایج بررسی‌ها و تحقیقات، عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج در زمان گذشته و حال تغییر یافته است. در گذشته، سن ازدواج زنان در اولین ازدواج آن‌ها به تغییرات و نوسانات اقتصادی بستگی داشت (میشل، ۱۳۷۸، ص. ۳۳). افزایش سن ازدواج به معنای میزان عقب افتادن سن مطلوب ازدواج جوانان در جامعه است که بر حسب متغیرهای کمی سال‌ها و یا متغیرهای کیفی میزان تأخیر در سن ازدواج (کم، متوسط، زیاد) قابل محاسبه و بررسی است (اسکندری، ۱۳۸۸، ص. ۱۲).

تأخیر در ازدواج یا روی‌گردانی از آن چالش اصلی و تهدید امنیت اخلاقی و اجتماعی جامعه ایرانی محسوب می‌شود. براساس آمار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، میانگین سن ازدواج برای پسران ۲۹ و برای دختران ۲۸ سال است. این اعداد و ارقام نشان‌دهنده بالا بودن نامعقول سن ازدواج و بیانگر مسئله‌مندی آن است. عوامل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست به دست هم داده و پدیده سن ازدواج را به مسئله تبدیل کرده‌اند. در این میان به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی مهم‌ترین و مؤثرترین عامل تعیین‌کننده در امر ازدواج است. از همین رو در فرضیه اصلی تحقیق به بررسی رابطه مستقیم بین متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج جوانان پرداخته شده است. سه متغیر اصلی پژوهش شامل دسترسی به مسکن، وضع اشتغال و مخارج مراسم عروسی نیز، به‌عنوان سه فرضیه فرعی، به ارتباط آن‌ها با افزایش سن ازدواج اشاره دارد.

پیامد پدیده مورد بررسی به افزایش آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی و اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی می‌انجامد. با توجه به این مهم، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

- عوامل اقتصادی به چه میزان بر ازدواج تأثیر می‌گذارد؟

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

نگاهی به آمارهای جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج زنان و مردان با تحول عمده‌ای روبه‌رو بوده؛ به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با افزایش تدریجی همراه بوده و این افزایش در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری گرفته است؛ برای نمونه سن «ازدواج مردان در ایران در سال ۱۳۳۵، ۲۴ سال و در سال ۱۳۹۰، ۲۶/۷ بوده و میانگین سن ازدواج دختران از ۱۹ سال به ۲۳/۴ سال رسیده است».

جدول ۱. میانگین سن در اولین ازدواج بر حسب جنس در کشور

شرح	۱۳۳۵(۱)	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
مرد	۲۴/۹	۲۵/۰	۲۴/۱	۲۳/۸	۲۴/۴	۲۵/۶	۲۶/۲	۲۶/۷
زن	۱۹/۰	۱۸/۴	۱۹/۷	۱۹/۹	۲۰/۹	۲۲/۴	۲۳/۳	۲۳/۴

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت)

کاهش میزان ازدواج و افزایش شاخص متوسط سن ازدواج در کل کشور، به‌ویژه در شهر بروجرد، ضرورت انجام این تحقیق بوده است؛ به‌طوری که مطابق داده‌های **جدول ۲**، تعداد ازدواج ثبت‌شده در سال ۱۳۹۰ (۸۷۴,۷۹۲ مورد) سیر نزولی ازدواج را نمایان می‌سازد. این رقم در سال ۱۳۹۴ به ۶۸۵,۳۵۲ رسیده است. این شاخص در بین استان‌های کشور به تفکیک در **جدول ۲** مشخص شده است. نظر به مهم بودن زمان تشکیل خانواده در تغییر وضعیت افراد، شناسایی عوامل مؤثر بر سن ازدواج و تبیین میزان و نحوه تأثیر آن‌ها در پیش‌بینی تبعات مختلف آن فایده‌مند خواهد بود.

جدول ۲. ازدواج و طلاق ثبت‌شده در نقاط شهری و روستایی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴

ازدواج و طلاق ثبت‌شده در نقاط شهری و روستایی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴						
سال و استان	جمع		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق
۱۳۷۵	۴۷۹۲۶۳	۳۷۸۱۷	۳۵۷۱۳۸	۳۲۶۹۷	۱۲۲۱۲۵	۵۱۲۰
۱۳۸۰	۶۴۱۹۴۰	۶۰۵۰۰	۴۹۶۲۲۹	۵۴۵۳۶	۱۴۵۷۱۱	۵۹۶۴
۱۳۸۵	۷۷۸۲۹۱	۹۴۰۳۹	۵۵۶۸۳۹	۷۸۸۰۱	۲۲۱۴۵۲	۱۵۲۳۸
۱۳۹۰	۸۷۴۷۹۲	۱۴۲۸۴۱	۶۳۱۴۵۷	۱۲۱۰۹۱	۲۴۳۳۳۵	۲۱۷۵۰
۱۳۹۱	۸۲۹۹۶۸	۱۵۰۳۲۴	۶۷۸۸۷۰	۱۳۶۹۱۳	۱۵۱۰۹۸	۱۳۴۱۱
۱۳۹۲	۷۷۴۵۱۳	۱۵۵۳۶۹	۶۶۴۱۳۳	۱۴۴۰۸۳	۱۱۰۳۸۰	۱۱۲۸۶
۱۳۹۳	۷۲۴۳۲۴	۱۶۳۵۶۹	۶۰۷۳۸۹	۱۴۹۶۴۴	۱۱۶۹۳۵	۱۳۹۲۵
۱۳۹۴	۶۸۵۳۵۲	۱۶۳۷۶۵	۵۶۲۶۷۱	۱۴۶۷۱۴	۱۲۲۶۸۱	۱۷۰۵۱
لرستان	۱۹۰۶۴	۳۵۵۱	۱۵۶۷۸	۳۰۳۵	۳۳۸۶	۵۱۶

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت)

آمارهای این جدول گویای کاهش ازدواج از ۸۷۴,۷۹۲ مورد در سال ۱۳۹۰ به ۶۸۵,۳۵۲ مورد در سال ۱۳۹۴ بوده و در ۹ ماه سال ۱۳۹۵ این رقم به ۵۲۷,۳۸۰ نزول کرده است. آمارهای مستند بیانگر آن است که در سال‌های اخیر و با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری درباره تقویت بنیان‌های خانواده، دولت و سازمان‌های متولی نتوانسته‌اند با وجود رشد جمعیت و قرار داشتن ۱۱,۲۴۰,۰۰۰ نفر از جوانان در سن ازدواج (۵,۵۷۰,۰۰۰ مرد و ۵,۶۷۰,۰۰۰ زن) اقدامات اثربخش و مفیدی در زمینه اشتغال‌زایی و برداشتن موانع اقتصادی ازدواج جوانان انجام دهند. اگر از ۱۱,۲۴۰,۰۰۰ نفری که در سن ازدواج هستند و هرگز ازدواج نکرده‌اند، به کل خانوار کشور (حدود ۲۱,۰۰۰,۰۰۰) نسبت بگیریم، می‌توان گفت نسبت به هر ۲ خانوار، ۱ جوان ازدواج‌نکرده و در سن ازدواج وجود دارد.

به نظر می‌رسد در حال حاضر با توجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حادث‌شده در جامعه، سطح انتظارات جوانان از ازدواج تغییر یافته و همین امر منجر به افزایش سن ازدواج در آن‌ها شده است. با توجه به اهمیت موضوع سن ازدواج در ایران و به‌خصوص در شهر بروجرد که این آمار روزبه‌روز در حال افزایش است و از آنجا که این پدیده و معضل مسائل و مشکلات زیادی را برای جوانان، خانواده‌ها و جامعه ایجاد کرده، در این مقاله تلاش شده است زمینه‌های تشکیل‌دهنده اقتصادی افزایش سن ازدواج در میان جوانان شهر بروجرد شناسایی و بررسی گردد.

۲. پیشینه تحقیق

۱-۲. مطالعات داخلی

نتایج پژوهش باقری، مداحی و لطفی (۱۳۹۸) با عنوان «برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج براساس نظریه زمینه‌ای» نشان داد عواملی همچون محدودیت شغلی، جبر تحصیلی، درآمد و تمکن مالی مهم‌ترین موانع تشکیل خانواده هستند. طبق گزارش خندان، سیدان و رضایی (۱۳۹۸) در مقاله «تجربه زیسته جوانان مجرد نسبت به افزایش سن ازدواج»، جوانان از مهیا نبودن زیرساخت‌ها برای ایجاد حداقل مقدمات زندگی همچون مسکن، درآمد و خوابگاه متأهلی گلایه دارند. فضل‌اللهی قمشی و جهانبخش (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در افزایش آن» که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر با نمونه آماری ۲۹۲ نفر انجام شد، اذعان کردند که عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در افزایش سن ازدواج دانشجویان تأثیر مثبت و معنادار دارد. یافته‌های تحقیق انتظاری، غیاثوند و عباسی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران» حکایت از تأثیر مستقیم پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده دختر و پسر بر افزایش سن ازدواج دارد. التجایی و عزیززاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود که به بررسی تأثیر عوامل

اقتصادی و فرهنگی بر سن ازدواج در استان‌های مختلف کشور پرداختند، عواملی همچون بیکاری، تورم، رشد مخارج خانوار، سطح درآمد و تحصیلات را مهم ارزیابی کردند. در تحقیق **کرایبی و دیگران (۱۳۹۵)**، عوامل روان‌شناختی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی به ترتیب عوامل مؤثر بر نگرش منفی دانشجویان مجرد دانشگاه‌های شهر اهواز به ازدواج معرفی شدند. نتایج پژوهش **محبی، سیاح و سادات حسینی (۱۳۹۵)** نشان داد تأخیر در ازدواج حاوی دلالت‌های دوگانه فرصت‌سازی و فرصت‌سوزی برای دختران دانشجویان است. پاسخ‌گویان علل تأخیر در ازدواج را تنگنای ازدواج، ریسک ازدواج، سوگیری خانواده در ازدواج، آنومی در ازدواج، محاسبه هزینه‌فایده ازدواج و... برشمرده‌اند. **خیری و حاجی‌آقا (۱۳۹۵)** در پژوهشی با هدف بررسی آسیب‌شناختی اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه به این نتیجه دست یافتند که عوامل اثرگذار بر بالا رفتن سن ازدواج به ترتیب عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. **نیازی، شاطریان و شفائی‌مقدم (۱۳۹۴)** در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش عوامل تأثیرگذار در نگرش به ازدواج» نشان دادند بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری و سنگینی مخارج ازدواج با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش **فولادی (۱۳۹۳)** با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی» بیان کرد که به جز عوامل فرهنگی، عوامل مهم دیگری از جمله درآمد مناسب، داشتن شغل، برخورداری از تحصیلات عالی نیز باعث افزایش سن ازدواج گردیده است. طبق یافته‌های پژوهش **مرادی و صفاریان (۱۳۹۱)** با عنوان «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان»، میان متغیرهای وضعیت مسکن، برابری جنسیتی، میزان تحصیلات، سبک فرزندپروری، سطح انتظارات، میزان سخت‌گیری والدین، میزان لذت بردن از دوران مجردی و میزان استفاده از رسانه‌ها و بالا رفتن سن ازدواج ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق **بحیرانی و حضرتی‌صومعه (۱۳۹۱)** اثبات کرد که میان متغیرهای ادامه تحصیل، اشتغال دختران، شرایط اقتصادی، نگرش خانواده به ازدواج و بی‌اعتمادی اجتماعی با افزایش سن ازدواج رابطه معنادار هست. **اسکندری‌چراتی (۱۳۸۸)** در پژوهشی که به منظور بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج انجام داد، بر ارتباط معنادار بین متغیرهای انتظارات بالا و سخت‌گیری در گزینش همسر، نداشتن شغل مناسب، فقر اقتصادی خانواده، پایگاه اجتماعی خانواده، ادامه تحصیل و وضع ظاهری با تأخیر در سن ازدواج جوانان تأکید نمود. نتایج تحقیق **حسین‌زاده (۱۳۸۷)** با عنوان «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تأخیر در سن ازدواج جوانان» نشان داد که ارتباط معناداری بین میزان درآمد خانواده، وضعیت شغلی جوانان، وضعیت مسکن و میزان تحصیلات با تأخیر در سن ازدواج جوانان وجود دارد. **میری و دیگران (۱۳۷۴)** مهم‌ترین عامل افزایش سن ازدواج را علل اقتصادی و عدم اطمینان به آینده شخصی، نبود شناخت کامل از طرف مقابل و عدم تطابق

فرهنگی بین خانواده‌های طرفین ذکر کردند.

۲-۲. پیشینه خارجی تحقیق

کلودیا گیسست^۱ (2017) در تحقیقی که در آمریکا در بین جوانان آمریکایی و اروپایی انجام داد، به این نتیجه رسید که در مجموع سن ازدواج در اروپا و آمریکا در حال تغییر و افزایش است و در این دگرگونی عامل اقتصادی و برابری جنسیتی دخیل بوده است. کالول^۲ (2005) در تحقیق خود با عنوان «عوامل مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در جنوب آسیا» اظهار کرده که تغییرات اقتصادی، به‌خصوص در حوزه بازار نیروی کار در این کشورها، افزایش سن ازدواج جوانان را در پی داشته است. نتایج پژوهش هامپلوا^۳ (2003) با عنوان «بررسی دلایل افزایش سن ازدواج و تأخیر آن در بین مردان و زنان» بیانگر آن است که بحران‌های اقتصادی در جامعه باعث تسریع یا تأخیر ازدواج می‌شود. به‌گزارش فرگوسن^۴ (2000) در پژوهش «بررسی چالش ازدواج سنتی در کشورهای آمریکا، چین و ژاپن»، دو عامل مهم و اساسی کسب تحصیلات عالی و یافتن شغل مناسب در تأخیر زمان ازدواج و ازدواج نکردن زنان تأثیر بسیار داشته است. اینگلهارت^۵ (۱۳۸۲) در پژوهشی به اثبات فرضیه تأثیر معنادار و مثبت متغیرهایی همچون تهیه جهیزیه، وضع ظاهری و مهریه در تأخیر سن ازدواج پرداخت.

جمع‌بندی پژوهش‌های داخلی و خارجی در این زمینه حاکی از فقدان پژوهشی مستقل و مرتبط با اهداف، روش و ساختار تحقیق پیش‌رو دارد.

در وجه نوآوری مقاله حاضر باید گفت که در این تحقیقات موضوع افزایش سن ازدواج جوانان در جامعه بررسی شده و رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج با رویکرد سیاست‌های کلی جمعیت به‌طور ویژه مطالعه نشده؛ بنابراین اهمیت این پژوهش در آن است که به‌طور ویژه به این موضوع مهم در میدان وسیع تحقیق پرداخته است.

۳. چارچوب نظری

به‌دلیل خصلت چندوجهی بودن پدیده ازدواج و تکرر نظریه‌ها در خصوص زوایای گوناگون ازدواج جوانان، در این پژوهش از میان نظرات مختلف، صرفاً برخی از نظریات اقتصادی مرتبط با افزایش رفتن سن ازدواج بیش از سایر موارد بررسی شده است.

1. Claudia Geist
2. Calol
3. Hamplo
4. Ferguson
5. Inglehart

۱-۳. نظریه بازار ازدواج اس. بکر^۶

بکر تصمیم به ازدواج و ایجاد روابط خانوادگی را همانند نظریه سنتی بنگاه‌های تجاری تجزیه و تحلیل کرده است. وی در نظریه اقتصاد ازدواج، تحلیل خود را براساس مفهوم بازار ازدواج قرار می‌دهد و بیان می‌کند جوانان زمانی را برای جست‌وجو و گزینش همسر مورد علاقه‌شان صرف می‌کنند تا فردی را بیابند که بیشترین جاذبه و مطلوبیت را برای آن‌ها داشته باشد و این کار بسیار شبیه به تلاش بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی برای یافتن بهترین نیروهاست. بنابراین هر فردی می‌کوشد حتی‌الامکان بیشترین تلاشش را به کار گیرد تا شریکی را برای خود برگزیند که در کنار آن بتواند میزان سود و منافعش را به حداکثر میزان ممکن برساند (Becker, 1996, p. 55). بنابراین در این نظریه، نحوه تصمیم‌گیری انسان و نیز تمرکز اصلی وی بر هزینه و سود ازدواج است.

۲-۳. نظریه هزینه فرصت^۷

هزینه فرصت یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به تبیین‌هایی در خصوص افزایش سن ازدواج پرداخته است. هزینه فرصت یکی از مفاهیم مهم در اقتصاد خرد است که به معنای فراغت یا هزینه‌ای است که در نتیجه صرف‌نظر از انجام کاری متوجه فرد می‌شود؛ یعنی شخصی با انجام یک کار ترجیح داده است تا از کار یا مزیت کار دیگر چشم‌پوشی کند. مسئله به صفر رساندن هزینه فرصت از آنجا اهمیت دارد که آن‌ها معتقدند چه در سطح فرد، چه در سطح خانوار و چه در سطح بنگاه اقتصادی باوجود اصل کمبود منابع و نیز اصل پیشینه‌سازی، انواع کنش‌ها ممکن می‌گردد. به بیان دیگر، دست آن‌ها برای انجام هر عملی آن‌قدر باز نیست و این مسئله آنان را مجبور می‌کند برای انجام هر کنشی محاسبه عقلانی کنند تا هزینه فرصت به صفر برسد (Fuchs, 1994, pp. 183-192). بنابر این نظریه که به آن هزینه اقتصادی، هزینه واقعی یا قیمت سایه نیز اطلاق کرده‌اند، هزینه فرصت همان هزینه‌ای است که برای فرصت‌های ازدست‌رفته پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر، هزینه فرصت ارتباط معناداری با فرایند تصمیم‌گیری و گزینش دارد. انتخابگر پیش از تصمیم‌گیری، فرصت‌هایی را که ممکن است با این تصمیم ازدست بدهد، در ذهن خود ارزیابی می‌کند.

۳-۳. نظریه تورم رکودی

ایستایی تورمی در جامعه نشان‌دهنده کاهش معنادار در چهار عامل تولید، درآمد، تجارت و اشتغال است. بنابر این تئوری، چنانچه در جامعه رشد و رونق اقتصادی فراگیر باشد،

6. Gary S. Becker
7. Opportunity cost

مردم بیشتر در فکر ازدواج هستند؛ اما برعکس در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی، شاهد روی گردانی از تشکیل خانواده یا تأخیر در سن ازدواج خواهیم بود.

۴-۳. نظریه کارکردگرایی اشتغال پارسونز

پارسونز در قالب نظریه کارکردگرایی در مورد فرایند هسته‌ای شدن خانواده، اهمیت مشاغل را یادآوری می‌کند و براساس متغیرهای الگویی خویش، آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند. به نظر او، یکی از آثار پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می‌سازد. از طرف دیگر پایگاه شغلی فرد عموماً حاصل فرایند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش است. به این ترتیب، جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود، از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند (بهنام، ۱۳۴۸، ص. ۱۲۲). کار ارزش محوری جامعه است؛ به طوری که می‌توان آن را اساسی‌ترین بخش زندگی شخص در نظر گرفت؛ زیرا داشتن شغل مناسب و استقلال اقتصادی کافی برای فرد جایگاه رفیعی دارد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی او را در جامعه تعیین می‌کند. بنابراین در این نظریه، اقتصاد و خانواده دو نهاد اجتماعی مرتبط و پیوسته در نظام اجتماعی هستند. براساس این نظریه، ازدواج و تشکیل خانواده حاصل ارتباطات و تعاملات بین خرده‌نظام‌های جامعه با یکدیگر است؛ چنان که برای ازدواج باید شغل و مسکن مناسب مهیا گردد که لازمه آن‌ها کسب دانش است. بدین ترتیب، اشتغال در سن ازدواج بسیار مؤثر است و فقدان شغل مناسب مانع اساسی ازدواج جوانان تلقی می‌شود.

۵-۳. نظریه انتخاب عقلانی ماکس وبر

در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این منظر، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعریف وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. این افراد آگاه و مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. بر این مبنای کار کنشگرانی معقولانه است که در چارچوب نظام ارزشی موجود و با توجه به اهداف خود از بین راه‌های گوناگون، بهترین راه را برگزینند (لیتل، ۱۳۷۳، ص. ۶۹). بنابر نظریه وبر، کنش و عمل عقلانی معطوف به هدف زمانی است که هدف، وسایل و نتایج ثانوی همگی به صورت عقلایی مورد توجه و سنجش قرار گیرند. بنابراین افراد برای نیل به اهداف خود و با لحاظ نمودن منافع فردی، مناسب‌ترین وسیله را با احتیاط مورد سنجش قرار می‌دهند.

۶-۳. رویکرد نوسازی ویلیام گود

اصطلاح نوسازی برای تحلیل مجموعه پیچیده‌ای از تحولاتی که در همه زمینه‌ها برای انتقال از جامعه سنتی به جامعه مدرن رخ می‌دهد، به کار برده می‌شود. نوسازی شامل

تحولات در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روانی و اجتماعی است. پیروان این دیدگاه فکری عناصری همچون خردورزی، تعقل‌گرایی، نظم داشتن، تقدیرگرا نبودن، محاسبه‌گر بودن و... را خمیرمایه‌های جریان نوسازی برمی‌شمارند. به موجب این رویکرد می‌توان ریشه تمام علل و عوامل ثانوی اثرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان را گذار جامعه ایران از نظم سنتی به نظم مدرن دانست که باعث تحولاتی در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان در بین تمام قشرهای جامعه به‌ویژه جوانان و به تبع آن موجب دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، انتظارات و مطالبات جوانان شده است. بنابراین موضوع تجربه مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی در بالا رفتن سن ازدواج جوانان اثرگذار است. برپایه نظریه نوسازی ویلیام گود، کاهش یا افزایش سن ازدواج با درجات مدرنیزاسیون جامعه ارتباط دارد.

۷-۳. نظریه مبادله اجتماعی بلاو و هومنز

پیتر بلاو و هومنز، نظریه‌پردازان مکتب مبادله، کوشیدند نظریه‌ای را بپرورانند که تلفیقی از رفتارگرایی اجتماعی و واقعیت‌گرایی اجتماعی باشد. هدف این دو اندیشمند فهم ساختار اجتماعی برپایه تحلیل فراگردهای اجتماعی حاکم بر روابط میان افراد و گروه‌ها بوده است. در نظریه مبادله، بیش از آنکه روابط گروهی و نهادها قابل طرح باشد، رابطه فرد با فرد اهمیت دارد. فرض اساسی در این نظریه آن است که انسان‌ها در انتخاب‌های خود منطقی بوده و درصدد به حداکثر رساندن سود حاصل از انتخاب و ایجاد رابطه با دیگران هستند. **بارتز و نای^۸ (۱۹۷۰)** با کاربرد این تئوری در مورد تشکیل خانواده و ازدواج، دو دسته تعیین‌کننده در ازدواج را مشخص کرده‌اند: دسته نخست باعث می‌شود ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را در مقایسه با زندگی مجردی تأمین کند؛ دسته دوم باعث می‌شود ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب، برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آن‌ها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی و اجتماعی ازدواج، یک قضیه نظری عام را مطرح کردند؛ به این صورت که هرقدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت‌شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود **(کنعانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۸)**. نظریه مبادله اجتماعی مبتنی بر الگویی اقتصادی از رفتار انسانی است که در آن فرض می‌شود انسان دائماً درصدد بهره‌گیری بیشتر از حداقل هزینه‌هاست. طبق این نظریه، تصمیم‌گیری به تشکیل خانواده نوعی عزم برای سرمایه‌گذاری است که در آن، هزینه‌ها و دستاوردهای شخص ازدواج‌کننده در طول زمان واقعیت پیدا می‌کند. در این تئوری، ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج در نظر گرفته می‌شود.

8. Bartz & Nye

۳. رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی

بی‌سازمانی اجتماعی به فقدان سازگاری یا سازگاری ضعیف بین اجزای نظام اشاره دارد. تغییرات اجتماعی معمولاً به‌عنوان علت اصلی و تغییرات تکنولوژیک، جمعیت‌شناختی و فرهنگی و نیز به‌مثابه شرایط تسریع‌کننده بی‌سازمانی تلقی شده‌اند. بی‌سازمانی شخصیتی و عدم تعادل نظام اجتماعی از پیامدهای بی‌سازمانی اجتماعی محسوب می‌شود. راه‌حل بی‌سازمانی برگردان اجزای نظام اجتماعی به حالت تعادل است. براساس این رویکرد، ازدواج و تشکیل خانواده زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف معین و راه‌های وصول به آن‌ها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد و چنانچه اهداف و وسایل با ساختار جامعه مغایرت داشته باشد، جامعه دچار مشکل خواهد شد.

۴. روش تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شد. اعضای جامعه آماری را پسران مجرد ۲۴ تا ۳۵ سال شهر بروجرد تشکیل دادند. برپایه آمار سازمان ثبت احوال شهرستان بروجرد، به‌طور تقریبی ۴۵,۰۰۰ جوان مجرد در بروجرد وجود دارد که حدود نیمی از آن‌ها را جوانان مجرد پسر تشکیل می‌دهد. با توجه به استفاده از جدول مورگان، برآورد تقریبی حجم نمونه حدود ۲۵۷ نفر محاسبه گردید. نمونه‌گیری هم به روش تصادفی ساده انجام شد. واحد تحلیل واحدی است که اطلاعات از آن گردآوری می‌شود. واحدی است که خصوصیات آن توصیف می‌شود (دواس، ۱۳۸۱، ص. ۴۱). در تحقیق حاضر، فرد به‌عنوان واحد تحلیل مورد توجه و بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات هم پرسش‌نامه‌ای با سؤال‌های باز و بسته است. در اینجا گویه‌ها به‌شکل طیف لیکرت بوده است. پرسش‌نامه‌ها در اختیار افراد واجد شرایط قرار گرفت و بعد از تکمیل جمع‌آوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS (نسخه ۱۷) و آزمون پیرسون استفاده شد. روش‌های آمار توصیفی و استنباطی نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌کار رفت. در بخش آمار توصیفی، از جداول فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی جمععی و نمودار، و در بخش آمار استنباطی، از آزمون پیرسون برای پاسخ‌گویی به فرضیات استفاده گردید.

درباره قلمروی مکانی و زمانی پژوهش هم باید گفت این تحقیق در سال ۱۳۹۸ و در شهرستان بروجرد استان لرستان انجام شد.

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های پژوهش به‌ترتیب و براساس فرضیه‌ها در قالب جداول مختلف بیان شده است.

جدول ۳. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت نرمالیته بودن داده‌های پژوهش

۲۵۷	فراوانی
۱۹۵/۸۵	میانگین پارامترهای نرمال
۰/۰۸۶	مثبت
-۰/۰۶۵	منفی
۰/۰۸۳	آزمون آماری
۰/۲۴۰	سطح معناداری

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها، فرض صفر مبتنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها در سطح خطای ۵ درصد سنجش می‌شود. اگر آماره آزمون بزرگ‌تر مساوی ۰/۰۵ به دست آید، دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر نرمال بودن داده وجود نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر، توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. برای آزمون نرمالیته فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

H0: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال است.

H1: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال نیست.

همان‌طور که در **جدول ۳** مشاهده می‌گردد، سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۲۴۰ است؛ بنابراین توزیع داده‌های مربوط به متغیر سن ازدواج نرمال است.

فرضیه اصلی اول: بین متغیرهای اقتصادی و بالا رفتن سن ازدواج پسران رابطه وجود دارد.

جدول ۴. هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای اقتصادی و سن ازدواج

تعداد	میزان هم‌بستگی	Sig.
۲۵۷	۰/۲۱۰**	۰/۰۰۱

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

** معناداری در سطح ۰/۱۰

شدت رابطه بین دو متغیر اقتصادی و افزایش سن ازدواج پسران در نمونه مورد مطالعه برابر با ۰/۲۱۰ به دست آمد. این ضریب به لحاظ آماری دارای تفاوت معناداری با صفر است ($Sig.<0.05$). چنین نتیجه‌ای به معنای آن است که می‌توان با حداقل ۹۵ درصد اطمینان داشت که بین دو متغیر شرایط اقتصادی و بالا رفتن سن ازدواج در میان پسران، رابطه معنادار برقرار است؛ به نحوی که با وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی جوانان، احتمال بالاتر رفتن سن ازدواج وجود دارد.

فرضیه دوم: بین ترس از مخارج جشن عروسی و افزایش سن ازدواج در بین جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۵. هم‌بستگی پیرسون بین ترس از مخارج ازدواج و سن ازدواج

Sig.	میزان هم‌بستگی	تعداد	
۰/۰۰۰	۰/۴۵۱**	۲۵۷	پسر

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

** معناداری در سطح ۰/۰۰۰

شدت رابطه بین دو متغیر ترس از مخارج جشن عروسی و افزایش سن ازدواج پسران در نمونه مطالعه برابر با ۰/۴۵۱ به دست آمد. این ضریب به لحاظ آماری دارای تفاوت معناداری با صفر است ($Sig.<0.05$). بنابراین می‌توان با حداقل ۹۵ درصد اطمینان داشت که رابطه مشاهده شده بین دو متغیر ترس از مخارج جشن عروسی و بالا رفتن سن ازدواج در میان پسران در جامعه آماری مثبت است؛ به گونه‌ای که هرچه ترس از مخارج ازدواج بیشتر می‌شود، احتمال افزایش سن ازدواج هم فزونی می‌گیرد.

فرضیه سوم: بین دسترسی به مسکن مناسب و افزایش سن ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون تفاوت گرایش به ازدواج بر حسب دسترسی به مسکن (بر اساس آزمون t مستقل)

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	مسکن	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید فرضیه	۰/۰۰۶	۲/۵۳	۱۲/۰۷	۸۹/۰۸	۵۲	دارای مسکن	گرایش به ازدواج	دسترسی به مسکن
			۱۰/۹۷	۷۹/۹۵	۱۹۹	فاقد مسکن		

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

برپایه نتایج **جدول ۶** و مطابق نتایج حاصل از آزمون لئون، با توجه به سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۶ است، می‌توان گفت برای تحلیل نتایج آزمون فرضیه سوم باید از فرض نابرابری واریانس‌ها استفاده کرد. میزان میانگین گرایش به ازدواج در بین دو گروه حاکی از عدم تساوی میانگین بین هر دو گروه است.

جدول ۷. آزمون t برای مقایسه میانگین نمرات دو گروه مستقل

خطای استاندارد	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F
۲/۷۰	۰/۰۴	۷۵۹	۲/۵۳	۰/۰۰۶	۴/۲۴
					با فرض برابری واریانس‌ها
					گرایش به ازدواج بدون فرض برابری واریانس‌ها
۲/۸۰	۰/۰۴	۷۵۸	۲/۵۳		

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

برمبنای آزمون لئون، چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است (Sig. ۰/۰۰۶)، از نتایجی که فرض نامساوی بودن واریانس‌ها را لحاظ کرده، استفاده می‌شود. براساس **جدول ۷**، سطح معناداری با فرض نابرابری واریانس‌ها از ۰/۰۵ کمتر بوده (Sig. ۰/۰۴۰)؛ بنابراین فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین وضعیت اشتغال جوانان و افزایش سن آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون تفاوت گرایش به ازدواج بر حسب دسترسی به شغل (براساس آزمون t مستقل)

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	شغل	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید فرضیه	۰/۰۰۲	۱/۰۳	۱۱/۰۲	۹۲/۰۸	۸۷	دارای شغل	گرایش به ازدواج	دسترسی به شغل
			۹/۴۴	۷۲/۶۵	۱۵۶	بیکار		

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

براساس نتایج **جدول ۸** و مطابق نتایج به دست آمده از آزمون لئون، با توجه به سطح

معناداری که برابر با ۰/۰۰۲ است، می‌توان گفت برای تحلیل نتایج آزمون فرضیه چهارم باید از فرض نابرابری واریانس‌ها استفاده کرد. میزان میانگین گرایش به ازدواج در بین دو گروه حاکی از نابرابر بودن میانگین بین هر دو گروه است.

جدول ۹. آزمون t برای مقایسه میانگین نمرات دو گروه مستقل

خطای استاندارد	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F
۱/۱۰	۰/۰۰۵	۷۵۹	۱/۰۳	۰/۰۰۲	۲/۵۴
					با فرض برابری واریانس‌ها
۱/۲۰	۰/۰۰۴	۷۵۸	۱/۰۳		بدون فرض برابری واریانس‌ها

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

برپایه آزمون لئون، چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است (Sig. ۰/۰۰۲)، از نتایجی که فرض نامساوی بودن واریانس‌ها را لحاظ کرده، استفاده می‌شود. براساس جدول ۹، سطح معناداری با فرض نابرابری واریانس‌ها از ۰/۰۵ کمتر بوده (Sig. ۰/۰۰۲)؛ بنابراین فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های توسعه نمی‌توان به تحولات و تأثیرات متقابل جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه بی‌اعتنا بود. هم‌بستگی بین ازدواج و دیگر شاخص‌های جمعیتی همچون باروری به معنای رابطه متقابلی است که بین متغیرهای مختلف وجود دارد. سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه جمعیت، به‌ویژه موضوع رفع موانع ازدواج، باید مورد توجه جدی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. روشن است که ازدواج از رخدادهای مهم و اساسی حیات بشر است و آرامش و امنیت جامعه در گرو آن. اما با وجود تأکید فراوان قرآن کریم و بزرگان دین مبنی بر ازدواج، متأسفانه امروزه به دلیل آشفتگی‌های اقتصادی، همچون افزایش بیکاری، کاهش تولید، حجم نقدینگی، مصرف‌گرایی و افزایش امیال و انتظارات، و دیگر عوامل اجتماعی و فرهنگی و نیز پیروی از سبک زندگی غیردینی، شاهد نهادینه شدن فرهنگ ویرانگر روی گردانی از ازدواج یا تأخیر در آن هستیم.

با نگاهی انتقادی به وضعیت اقتصادی جامعه آشکار می‌شود که یکی از اصلی‌ترین

عوامل بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان ناسازگاری نیازها با شرایط محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است؛ به نحوی که افزایش مشکلات اقتصادی و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی مانند تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات، آثار منفی بر سن ازدواج جوانان برجای گذاشته و موانع و مشکلات اقتصادی را بر سر راه ازدواج جوانان به وجود آورده است.

نظریات مطرح‌شده در این پژوهش، همچون تورم رکودی، بازار ازدواج بکر، هزینه فرصت، انتخاب عقلانی ماکس وبر و کارگردایی پارسونز، همگی تبیین‌گر و تأییدکننده اهمیت و اولویت داشتن مؤلفه‌های مهم اقتصادی همچون اشتغال، مهریه، سنگینی مخارج ازدواج و... است. پایه و اساس این نظریات تأثیر مستقیم وضعیت اقتصادی افراد بر سن ازدواج است.

نتیجه فرضیه اصلی پژوهش بیانگر آن است که هرچه شرایط اقتصادی افراد بدتر شود، احتمال افزایش سن ازدواج بیشتر می‌گردد. این یافته با نتایج پژوهش باقری و دیگران (۱۳۹۸)، خندان و دیگران (۱۳۹۸)، فضل‌اللهی قمشی و جانبخش (۱۳۹۷)، خیری و حاج‌آقایی (۱۳۹۵)، نیازی و شفائی‌مقدم (۱۳۹۴) و همسو است.

۷. پیشنهادها

برای تسهیل ازدواج جوانان و در نتیجه پیشگیری از بسیاری انحرافات اخلاقی و اجتماعی و با توجه به چهار متغیر اقتصادی مورد بحث در این تحقیق (فقدان مسکن، هزینه‌های زندگی، نداشتن شغل مناسب و مخارج جشن عروسی) موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. با هدف تبیین و ارتقای فرهنگ تسهیل ازدواج و طراحی و برنامه‌ریزی برای مقابله با هجمه فرهنگ بیگانه که در تأخیر در ازدواج، زندگی مجردی و تک‌والدی خود را نشان می‌دهد و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی، مؤسسات و گروه‌های فعال غیردولتی، شایسته است بنیادی مشابه بنیاد ملی نخبگان با عنوان «بنیاد ملی ازدواج» پایه‌ریزی شود. هدف این بنیاد عبارت است از فرهنگ‌سازی، ظرفیت‌سازی و برنامه‌ریزی جهت سامان‌دهی و فعالیتهای توأم با حمایت‌های مادی و معنوی برای تسهیل ازدواج بهنگام، آگاهانه، آسان و پایدار مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی و سنت‌های ملی با رویکرد احیا و تقویت نقش و کارکرد نهادهای دولتی و مردمی و خانواده.

۲. براساس مندرجات لایحه بودجه کل کشور، اعتبارات پرداخت یارانه نقدی به خانوارها در سال ۱۳۹۷ از ۳۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به ۲۳ هزار میلیارد تومان کاهش خواهد یافت و دولت محترم در نظر دارد بخشی از منابع ایجادشده را صرف کاهش فقر مطلق، بخشی را صرف هزینه‌های طرح تحولی سلامت و قسمتی را هم صرف یارانه

نان و خرید تضمینی گندم کند. با توجه به درآمد ناشی از حذف یارانه افراد پردرآمد، ضرورت دارد دولت محترم از یک سو به منظور جلوگیری از مخاطرات افزایش سن ازدواج جوانان، مانند کاهش نرخ باروری، افزایش آسیب‌های اجتماعی و روابط خارج از چارچوب در صورت تداوم این روند، و از سوی دیگر تحکیم و تعالی و ایمن‌سازی خانواده، به طور ماهیانه تا ۳ سال پس از ازدواج، به هریک از زوجین به مبلغ ۱,۳۵۰,۰۰۰ ریال یارانه ازدواج پرداخت کند.

۳. قانون تسهیل ازدواج جوانان، مصوبه دی ۱۳۸۴ در مجلس هفتم، که تاکنون مغفول مانده است، باید اجرا گردد؛ زیرا اجرای کامل این قانون بخش زیادی از مشکلات را برطرف می‌کند. در این قانون، تمهیدات مناسبی مانند مسکن موقت به مدت ۳ سال، تهیه فضاهای مناسب برای جشن‌های ازدواج و کمک‌هزینه زندگی به مدت ۲ سال برای زوج‌های فاقد درآمد پیش‌بینی شده است؛ اما متأسفانه به مدت ۱۳ سال است که این قانون بر زمین مانده و به صورت کامل اجرا نشده است. شایان ذکر است برای اجرای بخشی از بندهای این قانون مقرر گردید صندوق ازدواج جوانان تشکیل گردد و حدود ۳۵۰ میلیارد تومان بودجه نیز برای آن در نظر گرفته شود. اما با تصویب ادغام این صندوق و تشکیل صندوق جدیدی به نام مهر امام رضا (ع) توسط هیئت وزیران و شورای عالی اداری طی مصوبه‌ای در سال ۱۳۸۶، موضوع ازدواج جوانان مغفول ماند؛ زیرا این صندوق فقط به حوزه اشتغال می‌پردازد. بنابراین بایسته است صندوق ازدواج جوانان احیا شود. به طور حتم تشکیل و احیای صندوق ازدواج جوانان افزایش نرخ و پایداری ازدواج در کشور را در پی خواهد داشت.

برخی دیگر از پیشنهادهای کاربردی قابل اجرا به این شرح است: فراهم کردن امکانات مادی و معنوی ازدواج و استانداردسازی ازدواج آسان از طریق تبلیغ الگوهای عملی ازدواج‌های آگاهانه، آسان و مطابق سبک زندگی اسلامی ایرانی از طریق به‌کارگیری ظرفیت‌های بالقوه و فعال خیرین کشور. به منظور کاهش هزینه‌های تشریفات و جشن‌های ازدواج ضرورت دارد امکانات رفاهی متعلق به دستگاه‌های دولتی، مانند سالن‌ها و تالارهای پذیرایی، به طور رایگان در اختیار خانواده‌ها جهت برگزاری مراسم ازدواج قرار گیرد. ایجاد و گسترش فرصت‌های شغلی جدید و متنوع برای جوانان به خصوص دوره‌های فنی حرفه‌ای نیز در دستور کار قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از استادان ارجمند دانشگاه و پاسخ‌گویان محترم در شهرستان بروجرد که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، تشکر و قدردانی ویژه می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Andre, M. (1999). *Sociology of family and marriage* (translated into Farsi by Farangis Ardalan). Tehran: Faculty of Sociology Publication. (Persian)
- Bagheri, Sh., Madahi, J., & Lotfi, T. (2019). "The semantic construction of late marriage through grounding theory". *Women in Development and Politics*, 17(1), 43-69. from: https://jwdp.ut.ac.ir/article_71922.html (Persian)
- Bahiraee, E., & Hazrati Somee, Z. (2012). "The effective social factors of late marriage among female students". *Sociological Review*, 2(4), 137-150. from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=203480> (Persian)
- Bartz, K. W., & Nye, F. L. (1970). "Early marriage: A prepositional formulation". *Journal of Marriage and the Family*, 32(2), 258-268. from: <https://www.jstor.org/stable/350132?seq=1>
- Becker, G. S. (1996). "A theory of competition among pressure groups for political influence". *Quarterly Journal of Economics.Oxford Journals*. 98(3), 371-400. from: <http://hdl.handle.net/10.2307/1886017>
- Behnam, J. (1969). *Sociology of family*. Tehran: Tehran University Publication. (Persian)
- Caldwell, Johan, C., & Caldwell, Bruce K. (2005). "The Causes of the Asian Fertility Decline: Macro and Micro approaches". *Asian Population Studies*, Routledge, Part of the Taylor & Francis Group, 1(5), 31-46. [DOI: [10.1080/17441730500125714](https://doi.org/10.1080/17441730500125714)]
- De Vaus, D. (2002). *Surveys in Social Research* (translated into Farsi by Hooshang Naebi). Tehran: Ney Publication. (Persian)
- Eltejaee, E., & Azizzadeh, M. (2016). "Analyzing the economic and cultural factors of marriage in Iran; an inter-province case". *Sociological Cultural Studies*, 7(3), 1-19. from: http://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_2341.html (Persian)
- Enteari, A., Ghiasvand, A., & Abasi, F. (2019). "The effective factors of late marriages among young people in Tehran". *Social Development and Welfare Planning*, 10(34), 201-269. from: https://journals.atu.ac.ir/article_9452_ead89cdeaf2a3ea2adf4a18fc3ec00f0.pdf (Persian)
- Eskandari Cheraee, A. (2009). "Analyzing the effective social factors on late marriage in Iran: the case of Golestan province". *Journal of Sociology*, 4(10), 9-27. from: <http://quarterly-journalofsociology.aiau.ac.ir/>(Persian)
- Fazl Elahi Ghamshi, S., & Jahanbakhshi, H. (2018). "Age of student marriage and the explanatory validity of different economic, cultural, and social factors for its increase". *Culture*

- in *Islamic University*, 1(26), 129-154. from: <http://ensani.ir/fa/article/400721> (Persian)
- Ferguson, S. (2000). "Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese and Japanese American Women". *Gender and Society*, 14(1), 231-201. [DOI: [10.1177/089124300014001008](https://doi.org/10.1177/089124300014001008)]
- Fooladi, M. (2014). "Sociological analysis of late marriage considering cultural factors". *Knowledge of Social Culture*, 5(4), 77-104. from: 356805 <http://ensani.ir/fa/article/> (Persian)
- Fuchs, V. (1994). "Nobel Laureate: Gary S. Becker: Ideas about Facts". *Journal of Economic Perspectives, American Economic Association*, 8(2), 183-192. from: <https://ideas.repec.org/a/aea/jecper/v8y1994i2p183-92%20html>
- Geist, C. (2017). "Marriage Formation in Context: Four Decades in Comparative Perspective". Department of Sociology, University of Utah, 380 S 1530 E RM 301, Salt Lake City, UT 84112, USA; 6(1), 9. [DOI: [10.3390/socsci6010009](https://doi.org/10.3390/socsci6010009)]
- Hamplova, D. (2003). "Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation". *Institute of Sociology Review*, 39(6), 841-863. from: <https://www.researchgate.net/publication/238065351>
- Inglehart, R. (2003). *Culture shift in advanced industrial society* (translated into Farsi by Maryam Veter). Tehran: Kavir Publication. (Persian)
- Kanani, M. (2006). "The relationship of tradition and modernity regarding increasing marriage age the case of Iranian Turkeman people". *Journal of Population Association of Iran*, 1(1), 104-126. from: 69644 [https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=](https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=69644) (Persian)
- Kazemi, Z., & Niazi, S. (2011). "Analyzing the social factors on marriage pattern: the case of Shiraz". *Iranian Sociological Association*, 11(2), 3-23. from: <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=161678> (Persian)
- Khandan, Z., Seidan, F., & Rezaee, Z. (2019). "The lived experience of single people regarding late marriage". *Islamic Studies of Social Harms*, 1(3), 71-96. from: http://issh.shahed.ac.ir/article_860.html (Persian)
- Kheiri, M., & Hajaghayi, M. (2016). "Analyzing the social pathological factors of late marriage from the perspective of female students of Orumieh Islamic Azad University". *The Journal of Sociology Studies*, 9(30), 125-138. from: http://jss.iaut.ac.ir/article_525726.html (Persian)
- Little, D. (1994). *Varieties of social explanation* (translated into Farsi by Abdolkarim So-

- roush). Tehran: Serat. (Persian)
- Mahmoudian, H. (2004). "The increasing age of marriage: the effective factors". *Sociological Review*, 11(4), 27-53. from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=24547> (Persian)
- Mohebi, F., Sayah, M., & Sadat Hosseini, Sh. (2016). "Reasons of late marriage among young people". *Culture in Islamic University*, 2(19), 23-42. from: 366139 <http://ensani.ir/fa/article/> (Persian)
- Moradi, G., & Safarian, M. (2012). "Social and economic factors related to late marriage: the case of Kermanshah". *Quarterly Journal of Sociological Studies on Youth*, 3(7), 81-108. from: http://ssyj.baboliau.ac.ir/article_536018_0449c7faee35579ab7a87d2b3033a924.pdf (Persian)
- Niazi, M., Shaterian, M., & Safayi Moghadam, E. (2015). "Analyzing the role of social, cultural, and economic factors on negative attitudes towards marriage". *Sociological Cultural Studies*, 6(2), 27-58. from: 347106<http://ensani.ir/fa/article/> (Persian)